

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حاسبوا قبل ان تحاسبوا

مؤلف: قسمت علمی در دار ابن خزیمه

مترجم: پدرام اندایش

نام کتاب: حاسبوا ان تحاسبوا

مؤلف: قسمت علمی در دار ابن خزیمه

مترجم: پدرام اندایش

ناشر: بوکان - انتشارات

نوبت چاپ: اول - پاییز ۱۳۹۶

چاپ: بوکان - رامان

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ریال

کلیه حقوق چاپ و نشر برای مؤلف محفوظ است.

بسم الله الرحمن الرحيم

شکر و ستایش برای الله پروردگار جهانیان است و عاقبت برای پرهیزگاران است و دشمنی وجود ندارد، مگر با ظالمان. صلوات و سلام بسیار می فرستم بر کسی که برای رحمتی بر جهانیان مبعوث گشته است و بر آل و اصحاب و کسانی که تا روز قیامت در نیکی از آنها تبعیت می کنند. اما بعد:

الله تعالی می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ * وَأَنْفِقُوا مِنْ مَا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَأَكُنْ مِنَ الصَّالِحِينَ * وَلَنْ يُؤَخَّرَ اللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَاءَ أَجْلُهَا وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾ [المنافقون: ۹ - ۱۱] (ای کسانی که ایمان آورده- اید، مالهایتان و فرزندانان شما را از یاد الله غافل نسازد و

کسی که این گونه رفتار نماید از زیانکاران است * و از آنچه به شما روزی داده‌ایم انفاق کنید، قبل از آن که مرگ به سراغ یکی از شما بیاید و [آن شخص] بگوید: «پروردگارا! چه می‌شود، زمان مرگ مرا کمی عقب بیندازی و صدقه بدهم و از صالحان شوم» * و هرگز الله اجل کسی را وقتی به وقوع می‌پیوندد عقب نمی‌اندازد و الله از آنچه انجام می‌دهید، آگاه است).

ای برادر! در راه الله:

کسی که با چشم بصیرت به دنیا بنگرد، یقین حاصل می‌کند که نعمت آن امتحان و زندگی آن پُر زحمت است و گذران آن با سختی می‌باشد. اهل آن در ترسی هستند، گاهی برای نعمتی از دست رفتنی، گاهی با بلایی ناز شدنی و گاهی با مرگی حکم شدنی... بیچاره فرزند آدم، به سرزمینی راضی شده است که حلال آن حساب و کتاب دارد و حرام آن دارای مجازات می‌باشد، اگر حلال آن را بگیرد، مورد حساب و

کتاب واقع می‌شود و اگر حرام آن را بگیرد، برای آن عذاب می‌شود. کسی که در آن ثروتمند شود، مورد فتنه واقع می‌شود و کسی که در آن فقیر شود، دچار خشم و غم می‌شود. کسی که آن را دوست داشته باشد، او را ذلیل می‌کند و کسی که به آن بنگرد، او را کور می‌کند و مردم درباره‌ی آن دو گروه هستند:

گروهی زیرک هستند و می‌دانند که آن سایه‌ای از بین رفتنی و نعمتی فنا شدنی و خوابی پریشان است، بلکه فهمیده‌اند که نعمتهای آن در نصف راه تمام می‌شود و متوجه شده‌اند که زندگی آن فنا شدنی است و راهی به سوی زندگی دائمی می‌باشد. در نتیجه به کمی آن راضی شده‌اند و به اندک آن قانع هستند و در نتیجه قلبها و بدنهای آنها راحت می‌باشد و دین آنها برایشان سالم می‌ماند و نزد الله تعالی از ستایش شدگان هستند... دنیای آنها، آنان را از اطاعت مولایشان باز نمی‌دارد و خودشان را مشغول آن قرار نمی‌دهند و بعد از آن را هدف

خود قرار می دهند. در این فکر هستند که بازگشتشان به کجا است و اندیشه می کنند که چگونه از دنیا خارج شوند، در حالی که ایمانشان برای آنها سالم بماند. آنچه که همراه آنان است در قبر نیز همراه آنها می باشد و آنچه را که برای وارثانشان در دنیا باقی می ماند را ترک کرده اند و به دنبال چیزی نیستند که در روزی که مال و فرزند سودی نمی رساند آنها را از الله تعالی بی نیاز نمی کند. این امر را درک کرده اند و برای سفر آماده شده اند و جواب حساب و کتاب را مهیا کرده اند و برای آخرت خود توشه فراهم نموده اند ﴿خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى﴾ (بهترین توشه تقوا است)...

طوبی برای آنها باشد، از ترس ایمن می شوند و نیکی می کنند و کامیاب می شوند.

گروهی دیگر، جاهل هستند و بصیرت آنها کور می باشد، در امور آن نمی نگرند و بدی حال و هوای آن را نمی فهمند،

زینت آن، آنها را گرفتار نموده است و آنها را به فتنه انداخته است، جاودانگی را در آن می بینند و به آن راضی می شوند و به آن اطمینان خاطر پیدا می کنند، تا آن که آنان را از الله تعالی غافل می سازد و آن را از یاد و طاعت او به خود مشغول می - دارد: ﴿نَسُوا اللَّهَ فَنَسَاهُمْ أَنْفُسُهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ [الحشر: ۱۹] (الله را فراموش کردند و آنان را از خودشان غافل ساخت، آنان فاسقان هستند).

بله... آنها الله تعالی را فراموش کردند، حقوق او را پایمال نمودند و به اندازه ی حق شناخت از وی، او را نشناختند و در دنیا موجبات انجام اوامر و خودداری از آنچه نهی نموده است را مهیا نساختند، به همین دلیل: ﴿فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسُهُمْ﴾ آنها را به سبب آن، فراموش کنندگان خودشان قرار می دهد تا آنجا که آنچه به آنها سود می رساند را نمی شوند و آنچه آنها را نجات می دهد را انجام نمی دهند و در روز قیامت ترسهای آن، آنان را از یاد جانهایشان باز می دارد و آنها را

حیران و سرگردان قرار می‌دهد، ﴿يَوْمَ تَرَوْهَا تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَتَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمْلٍ حَمْلَهَا وَتَرَى النَّاسَ سُكَارَىٰ وَمَا هُمْ بِسُكَارَىٰ وَلَٰكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ﴾ [الحج: ۲] (روزی که آن را در حالتی می‌بینی که هر شیر دهی، آنچه را که شیر می‌دهد، رها می‌سازد و هر حامله‌ای آنچه را که در شکم دارد، سقط می‌کند و مردم را مست می‌بینی در حالی که مست نیستند ولی [از روی آن است که] عذاب الله [متعال] شدید است).

* یکی از پیشینیان گفته است: «کوشش تو در آنچه تو را مورد فتنه قرار می‌دهد و کوتاهی تو در آنچه که از تو خواسته شده است، دلیلی بر کور بودن بصیرتت بر آن است». آن را به پا می‌دارند و آنها را هلاک می‌کند، بخ چیزی که راه الله تعالی نمی‌باشد، ارزش می‌دهند و در نتیجه او عَزَّ وَجَلَّ آنها را ذلیل می‌نماید. آرزوهای آنها درباره‌ی آن زیاد می‌شود

و عمر نمودن زیاد را دوست می‌دارند و مرگ و آنچه بعد از آن از ترس و هراس که وجود دارد را فراموش می‌کنند. در آرزوی خود ناامید می‌شوند و کوشش آنها فنا می‌شود و در دنیا زیانکار می‌شوند و آخرت را درک نمی‌کنند.

رَكَنُوا إِلَى الدُّنْيَا الدَّنِيَّةِ

وَتَبَوَّءُوا الرُّتَبَ الْعَلِيَّةَ

حَتَّى إِذَا غُرُوا بِهَا

صَرَعْتَهُمْ أَيْدِ الْمُنِيِّينَ

برادر در راه الله:

کسی که از نفسش غافل شود، زمان او به هدر می‌رود، سپس حسرت‌هایش شدت می‌یابد و چه حسرتی بزرگتر از این برای بنده وجود دارد که عمرش بر علیه او قرار گیرد و روزهای او هیزمی شود برای زیاد شدن بدی و بدبختی وی؟! زمان و گذشت آن برای کسانی که ادب می‌آموزند،

خیرخواهی می‌کند و دهر با حادثه‌های کوبنده‌ی آن سخنگویان را آگاه می‌سازد و با بیدار نمودن توسط آن، هشیار می‌شوند و با الفاظ آن درس می‌گیرند... در اثر آمده است: «چهار چیز از بدبختی است: خشک شدن اشک چشم، قسوت قلب، زیاد شدن آرزو و حریص بودن شخص برای دنیا».

برادر در راه الله:

آیا مرگ، سختی‌ها، شدت ترس آن، بلاها و شدت هراس روح از آن را یاد نموده‌ای؟ مرگ همان گونه که گفته شده است: «سخت‌تر از ضربه‌ی شمشیر و با اره نصف شدن و با قیچی تکه تکه شدن است»، ای کسی که درباره‌ی مرگ و سختی آن و دشواری جام آن و تلخی آن فریب خورده‌ای! آیا وعده‌ای راستین‌تر از مرگ و حکمی عادلتر از آن وجود دارد... برای زخم خوردن قلبها و گریه کردن چشمها و جدا شدن از جماعتها و از بین رفتن لذتها و قطع شدن آرزوها، مرگ کافی است. ای فرزند آدم آیا به روز بازگشت و انتقال

به منزلگاهت فکر نموده‌ای؟ وقتی که از گشادگی به تنگی
انتقال می‌یابی و دوست و رفیق را رها می‌سازی و از برادر و
دوست مورد اعتمادت دور می‌شوی، جای خواب و محل
سکونتت از تو گرفته می‌شود و در قبر قرار می‌گیری و بعد از
نرمی رختخوابت بر خاک قرار می‌گیری!

ای کسی که مال جمع می‌کنی و در ساختن [دنیا] تلاش
می‌کنی، مالی برای تو باقی نمی‌ماند، مگر دو کفن و قسم به
الله، آن خراب شدن و رفتن است و جسمت برای خاک و
قبرت می‌ماند، پس آن مالی که جمع نموده‌ای کجا خواهد
بود؟ آیا تو را از ترس ایمن می‌سازد؟ هرگز، بلکه آن را برای
کسی باقی می‌گذاری که از تو تشکر نمی‌کند و با بار گناهت
به جایی می‌روی که عذر تو قبول نمی‌شود.

در نتیجه، کسی که مرگ هلاکت او و خاک رختخواب او
و کرم همراه او و نکیر و منکر همنشین او و قبر محل او و
درون زمین محل استقرار او و قیامت وعده‌گاه او و بهشت یا

جهنم محل ورود وی می‌باشد، آیا شایسته می‌باشد تا فقط فکر او درباره‌ی آن مرگ باشد و خود را برای چیزی غیر از آن آماده کند؟

حسن بصری رحمه الله گفته است: «مرگ دنیا را ننگین کرده است و برای صاحب خردی آن را شاد نگذاشته است. اگر قلب بنده دائماً مرگ را یاد نماید، جز این نیست که دنیا در چشمش کوچک می‌شود و تمامی آنچه در آن است برایش بی‌ارزش می‌شود».

ابن مطیع روزی به خانه‌اش نگاه کرد و نیکویی آن او را به شگفت انداخت، سپس گریه کرد و گفت: «اگر مرگ نبود با تو شادمان می‌گشتم و اگر بازگشت ما به تنگی قبر نبود، دنیا نور چشم من می‌شد».

عمر بن عبد العزیز گفته است: «آیا نمی‌بینید که شما هر صبح و شب به سوی الله ﷻ خود حرکت می‌کنید؟ آن [جسم]

را در زیر زمین قرار می‌دهید و خاک بر آن ریخته می‌شود و دوستان باز می‌گردند و اسباب قطع می‌شود».

برادر در راه الله:

وقتی در پیشگاه بنده‌ی فقیر، چیزی جز سختی مرگ، مانند بلا، ترس و عذاب وجود دارد، شایسته است تا او زندگی خود را تیره دارد و خوشحالی آن برایش بی‌ارزش شود و بی‌خبری و غفلت از آن، از وی جدا شود. حق آن است که درباره‌ی آن زمان تفکر زیادی صورت گیرد و آماده شدن برای آن را بزرگ شمارده شود و در برابر نفسش باز ایستد تا آن را بر چیز بی‌ارزش که به دنبال آن می‌رود، مورد محاسبه قرار دهد. آن چیزی است که مرگ جلوی آن را می‌گیرد، همان گونه که گفته شده است: «بلا به دست کسی غیر از تو می‌باشد و نمی‌دانی چه زمانی تو را در بر می‌گیرد».

عایشه رضی الله عنها گفته است: در دست رسول الله ﷺ

ظرف آبی بود و دست مبارک خود را در آن می‌فرمود و آن را

بر صورتش می‌مالید و می‌فرمود: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، إِنَّ لِلْمَوْتِ لَسُكْرَاتٍ» (هیچ پرستش شونده‌ی برحق‌ی جز الله وجود ندارد، همانا برای مرگ سختی‌هایی وجود دارد) سپس او ﷺ با دستش به سوی آسمان اشاره می‌نمود و می‌فرمود: «فِي الرَّفِيقِ الْأَعْلَى» (در رفیق اعلی) تا آن که قبض روح شد و دستش افتاد. بخاری (بخاری)

این حال رسول الله ﷺ بود، با وجود والایی منزلتش و عظمت ارزشش و بزرگی شرفش و بالا بودن مقامش در نزد پادشاه سبحان و مقدس وضع او این چنین بود. او محبوب-ترین مخلوق برای الله تعالی بود. ولی با این وجود در شدت و سختی و بلای مرگ که الله تعالی از آن آگاه است، گرفتار شد. پس حال تو چگونه خواهد بود، ای کسی که به مراتب دارای منزلت پایین‌تری می‌باشی؟!

بر ماست که تمام عمرمان را برای آنچه در زمان مرگ

اتفاق می‌افتد، گریه کنیم و از الله تعالی درخواست عافیت نماییم.

برای مرگ، سن معلوم، زمان مشخص و بیماری حتمی وجود ندارد و به همین دلیل بر شخص واجب است تا خود را برای آن آماده نماید. یکی از صالحان شبها به اطراف مدینه می‌رفت و ندا می‌داد: «سفر، سفر» وقتی وفات نمود، امیر مدینه صدای او را نشنید و درباره‌ی او سوال نمود. به او گفته شد: او وفات نموده است. او گفت:

ما زال يلْهَج بالرحيل وذكره

حتى أنْاخ برحله الجمالُ

فأصابه متيقظاً مُشمرّاً

ذا أهبة لم تلهيه الآمالُ

* یزید الرقاشی به خودش می‌گفت: «وای بر تو ای

یزید! چه کسی بعد از مرگ به جای تو نماز می‌خواند؟ چه

کسی بعد از مرگ به جای تو روزه می‌گیرد؟ چه کسی بعد از مرگ به جای تو پروردگارت را راضی می‌کند؟» سپس در بین مردم ندا می‌داد:

«ای مردم! آیا در باقی زندگی‌تان، برای خودتان گریه نمی‌کنید و غم‌سار نمی‌باشید؟ کسی که مرگ در طلب او و قبر خانه‌ی او و خاک رختخواب او و کرم همراه او باشد و با تمامی این موارد منتظر ترس بزرگ (قیامت) باشد، حال او چگونه خواهد بود؟» سپس گریه می‌کرد و غش کرده و می‌افتاد.

برادر مسلمانم:

آیا قبر، تاریکی آن، تنگی آن و وحشت آن را یاد نموده‌ای؟ آیا مکانی تنگی را یاد نموده‌ای که جسد مرده را از بزرگ و کوچک، فهمیده و نادان و صالح و ناخلف را می‌فشرد؟ قبر باغی از باغهای بهشت یا حفره‌ای از حفره‌های جهنم است و سرزمین بزرگی و خوشبختی یا سرزمین اهانت

و بدبختی است. چه عجیب هستند، اهل نافرمانی و گناه! چگونه است که بر گناهان اصرار دارند و از آن خودداری نمی‌کنند، در حالی که می‌دانند، بازگشت آنها به سوی قبر است؟! سپس چه عجیب هستند، اهل غفلت و کوتاهی! چگونه از غفلت خود هشیار نمی‌شوند و برای سفر دور بیدار نمی‌شوند، در حالی که آنها می‌دانند فردا در زیر سنگ لحد مقیم خواهند بود؟!

برادر(ه):

آیا اولین شب در قبر را یاد نموده‌ای؟! وقتی که همراه تو همنشین، دوست مورد اعتماد، رفیق، همسر، فرزند، فامیل، یاور و خانواده‌ای وجود ندارد: ﴿ثُمَّ رُدُّوا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمُ الْحَقُّ أَلَا لَهُ الْحُكْمُ وَهُوَ أَسْرَعُ الْحَاسِبِينَ﴾ [الأنعام: ۶۲] (سپس به سوی الله، مولایشان باز گردانده می‌شوند، آگاه باشید که حکم برای او است و او سریعترین حسابرس است).

فارقـتُ موضـع مرقـدی

یوماً ففـارقـنی السـکون

القبـر أول لیـلـة

بـالله قل لی ما یـکون؟

* وقتی علی علیه السلام از صفین برگشت و بر قبرها حاضر شد، گفت: «ای اهل دیار وحشت و مکان پریشانی و قبرهای تاریک! ای اهل خاک! ای اهل غربت! ای اهل وحشت! شما قبل از ما رفتید و ما به شما ملحق خواهیم شد، اما سرزمین‌ها آرامش دارد و همسرها به ازدواج در آمده‌اند و مالها تقسیم شده است، این خبری از ما است، از شما چه خبر؟!».

سپس رو به اصحابش کرد و گفت: «اگر به آنها اجازه‌ی سخن گفتن داده می‌شد، به شما خبر می‌دادند که بهترین توشه تقوا است».

* عمر بن عبد العزیز رحمه الله به یکی از همنشینانش

گفت: «... ای فلانی! امشب بیدار ماندم و درباره‌ی قبر و ساکنین آن تفکر نمودم. تو اگر مرده را بعد از سه روز در قبرش ببینی، بعد از تمام زمانی که با او انس گرفته بودی از او خواهی ترسی، اگر خانه‌ای را ببینی که خزندگان در آن جولان می‌دهند و ناله کردن در آن جاری شده است و کرم‌ها آن را پاره پاره می‌کنند و همراه با تغییر بو و بدون کفن و تمامی اینها بعد از نیکویی هیئت و بوی خوب و تمیزی لباس باشند [خواهی ترسی]».

* فضیل بن عیاض رحمه الله گفته است: مردی را دیدم که گریه می‌کرد، گفتم: چه چیز تو را به گریه انداخته است؟ گفت: سخن او مرا به گریه انداخته است. او کیست؟ گفت: ما در کنار قبرها ایستاده بودیم که سرود:

أتيت القبور فساءلتها.

نزد قبرها آمدم و از او پرسیدم

أين المعظم والمحتقر.

کجاست کسی که بزرگ شمرده شده است و یا کوچک

شمرده شده است؟

وَأين المذلُّ بسُلطانِه.

کجاست کسی که با قدرتش ذلیل می‌کند؟

وَأين القویُّ علی ما قدر.

کجاست کسی که بر توانایی‌اش قدرت دارد

تفانوا جميعا فما مخبر.

همگی فنا شدند و خبر دهنده‌ای نماند

وماتوا جميعا ومات الخبر.

همگی مردند و خبر نیز مُرد

فيا سائلي عن أناس مضوا.

پس ای کسی که از مردم گذشته سوال می‌کنی!

أما لك فيما مضى معتبر.

آیا از چیزی که گذشته است، درس گرفتی؟

تروح وتغدو بذاک الثری.

در آن خاک شب و صبح می‌نمایی

فتمحی محاسن تلک الصور.

و زیبایی‌های آن صورت‌ها، محو شده است

برادر در راه الله:

آیا دمیده شدن در صور و برانگیخته شدن روز نشور و

پخش شدن نامه‌های اعمال و عرضه شدن به الله مسلط و

سوال از کوچک و بزرگ و قرار گرفتن ترازو برای سنجش

ارزشها، سپس عبور از پل صراط، سپس انتظار ندا دادن برای

پایان یافتن حکم را یاد نموده‌ای که بعد از آن گروهی

خوشبخت و گروهی بدبخت خواهند بود.

برای خودت تصور کن که از قبرت، از شدت صاعقه

مبهوت برانگیخته می‌شوی، چشمانت برای ندا داده شدن، خیره هستند، مردم همگی به صورت واحد در حالی که از شدت دمیدن در صور هراسان هستند، به یکباره برانگیخته می‌شوند، با ذیلی و خواری می‌ایستند، منتظر هستند تا برای آنها حکم صادر شود، حال تو و حال قلبت چگونه خواهد بود؟ قلبها پاره پاره شده و چشمها خیره شده و گردانها کج شده است. پس ای فقیر! در طولانی بودن آن روز و شدت انتظار در آن و خجالت و حیایی که در پیشگاه پروردگار مسلط جلّ جلاله ایجاد می‌شود، تفکر نما! سپس بنگر که برانگیخته شدن به صورت لخت و ختنه نکرده، چگونه خواهد بود؟! زمینی سفید، هموار و بدون پستی و بلندی... رسول الله ﷺ فرموده است: «يُحْشَرُ النَّاسُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى أَرْضِ بَيْضَاءَ عَفْرَاءَ كَقُرْصِ النِّقْيِ لَيْسَ فِيهَا مَعْلَمٌ لِأَحَدٍ» (مردم در روز قیامت در زمینی سفید و هموار به مانند قرصی پاک برانگیخته

خواهند شد و در آن برای هیچ کس علامت و راهنمایی وجود ندارد) متفق علیه.

الله تعالی می فرماید: ﴿يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفْدًا﴾ * وَنَسُوقُ الْمُجْرِمِينَ إِلَى جَهَنَّمَ وَرِثَةً [مریم: ۸۵ ، ۸۶]
(روزی که پرهیزگاران را سواره و با گرمی داشت و شوکت به سوی [الله] بسیار رحمت کننده حشر می نماییم * و مجرمان را تشنه به سوی آتش جهنم روانه می سازیم).

علی بن ابی طالب علیه السلام گفته است: «قسم به الله، بر روی پاهایشان محشور می شوند ولی بر روی سواری آنها طلا می- باشد و زین اسبهایشان یاقوت است، اگر دوست داشته باشند، راه می رود و اگر دوست داشته باشند، پرواز می کند».

ولی مجرمان تشنه گذاشته می شوند، از شدت تشنگی گردنهای آنها پاره پاره می شود، ولی آب به آنها داده نمی شود، بلکه به سوی جهنم و آتش آن و آب داغ آن فرستاده می- شوند، الله تعالی می فرماید: ﴿وَنَحْشُرُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى

وَجُوهِهِمْ عُمِيًّا وُبُكْمًا وَصُمًّا مَّا وَاهُمْ جَهَنَّمَ كُلَّمَا خَبَتْ زِدْنَاهُمْ سَعِيرًا» [الإسراء: ۹۷] (آنها را در روز قیامت، بر روی چهره‌هایشان، کور و کر و لال محشور می‌گردانیم، جایگاه آنها جهنم است. هرگاه [زبان‌های آتش] فروکش کند، برای آنها آن را می‌افزاییم).

ای برادر مسلمانم:

آیا زمان آن نرسیده است که حقیقت این سرزمین را بشناسی؟ این سرزمین زندگی‌اش سخت و نعمت آن امتحان و پادشاهی آن فنا شدنی و دوست داشتن آن قطع شدنی و خیر آن جدا شدنی است، کسانی که به آن متعلق هستند در ترس می‌باشند، گاهی برای نعمتی از دست رفتنی یا بلایی نازل شدنی یا مرگی حکم شدنی، ﴿يَا قَوْمِ إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ﴾ [غافر: ۳۹] (ای قوم من! این زندگی دنیوی فقط کالایی است و آخرت همان سرزمین باقی ماندن است)...

عمر کوتاه و سفر طولانی و توشه کم و خطر نزدیک و بزرگ است. شخص بین دو حالت می باشد: حالتی که گذشته است و شخص نمی داند الله تعالی درباره ی آن چه کار می نماید و زمان مرگی که باقی مانده است و شخص نمی داند، الله تعالی درباره ی آن چه حکمی صادر می کند.

ای برادر عزیزم! وقتی امر این گونه است، بر صاحب بینش است که برای خودش توشه فراهم آورد و از زندگی اش برای مرگش و از جوانی اش برای پیری اش و از سلامتی اش برای مریضی اش و از اوقات فراغتش برای زمان مشغولیتش و از ثروتمندی اش برای فقری اش استفاده کند. بعد از مرگ بازگشت و جبرانی وجود نخواهد داشت و بعد از دنیا غیر از بهشت و جهنم نخواهد بود. کسی که رابطه ای که بین او بین پروردگارش وجود دارد را اصلاح کند، پروردگارش برای آنچه بین او بین مردم است، برای او کافی خواهد بود، کسی که در پنهان راستگو و در آشکار نیکوکار است و کسی که

برای آخرت عمل نماید، الله تعالی برای امر دنیای او کافی خواهد بود. گریزی نیست که باید محاسبه نمود، محاسبه‌ای صادقانه برای عمل! بر توست ای بنده‌ی الله که درباره‌ی آنچه از دست رفتنی است و هنوز باقی مانده است، خودت را آماده کنی و در زمان و روزگارت زندگی کنی و مشغول حسرت و پشیمانی از انجام ندادن عمل نشوی. بدان که اگر آنچه را که باقی مانده است، اصلاح کنی از آنچه گذشته است، آمرزیده می‌شوی و کسی که در آنچه باقی مانده است، بدی کند به واسطه‌ی آنچه گذشته است و باقی مانده است، مؤاخذه می‌شود. مرگ در یک لحظه به سراغ تو می‌آید، پس هر لحظه و هر نفسَت را با ارزش بدان! روزها گذران است و نفس‌ها تمام شدنی و اعمال صالح همان سرمایه است و تجارت سودمند نتیجه‌اش بهشت و ورشکستگی آتشی است که زبانه می‌کشد، کسی در آن داخل و برشته نمی‌شود، مگر شقی‌ترین افراد، پس

خودت را مورد محاسبه قرار بده!

ای برادر مسلمان عزیزه:

آیا روزی شده است که با خودت خلوت کنی و آن را از آنچه به آن مبادرت نموده است شامل سخنان و عملها مورد محاسبه قرار دهی؟ آیا روزی کوشش نموده‌ای که بدیها و لغزشها و گناهانت را بشماری همان طور که نیکی‌هایت را می‌شماری؟ بلکه آیا روزی درباره‌ی اطاعتی که انجام می‌دهی و به آن افتخار می‌کنی تأمل نموده‌ای و آن را در حالی بیایی که با ریا، خودستایی و انگیزه‌های نفسانی آلوده شده باشد؟ چگونه بر این حالت و راحت صبر می‌نمایی که با سختی‌ها و خطرهای پوشانده شده است؟! چگونه در پیشگاه الله تعالی حاضر می‌شوی در حالی که بار سنگین گناه بر دوش داری؟

الله تعالی می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَتَنْظُرُوا نَفْسَ مَا قَدَّمْتُمْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾ [الحشر: ۱۸] (ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از الله

بترسید و تقوا پیشه کنید! و شخص بنگرد که برای فردای خود چه فرستاده است و از الله بترسید و تقوا پیشه کنید که الله از آنچه انجام می‌دهید، بسیار با خبر است).

پیامبر ﷺ فرموده است: «لا تزول قدما ابن آدم يوم القيامة حتى يُسأل عن خمس: عن عُمره فيما أفناه وعن شبابه فيما أبلاه، وماله من أين اكتسبه وفيما أنفقه، وماذا عمل فيما علم» (فرزند آدم در روز قیامت قدمی بر نمی‌دارد، مگر آن که از پنج چیز مورد سوال واقع می‌شود: عمرش را در چه فنا نموده است و جوانی‌اش را در چه گذرانده است و مالش را از کجا بدست آورده است و در چه خرج نموده است و درباره‌ی آنچه می‌دانسته است، چه عملی انجام داده است). ترمذی و آل‌بانی آن را در صحیح الجامع حسن دانسته است.

عمر بن خطاب ؓ گفته است: «خودتان را مورد محاسبه قرار دهید، قبل از آن که مورد محاسبه قرار بگیرید و آن را

بسنجید قبل از آن که سنجیده شود».

در روایتی آمده است: «...اعمالتان را بسنجید قبل از آن که فردا در حساب و کتاب برای شما سنجیده شود و امروز خود را مورد محاسبه قرار دهید و خودتان را برای عرضه شدن بزرگتر زینت دهید، ﴿يَوْمَئِذٍ تُعْرَضُونَ لَا تَخْفَى مِنْكُمْ خَافِيَةٌ﴾ [الحاقة: ۱۸] (در آن روز پیش آورده می‌شوید و از [اعمال] شما هیچ پنهان شده‌ای پنهان نمی‌ماند)». ترمذی در صفة القيامة و گفته است: حدیثی حسن است.

شایسته‌ی توست که در این ایستگاه توقف نمایی و با این محاسبه خودت را مورد محاسبه قرار دهی؛ بعد از دنیا، سرزمینی نخواهد بود، مگر بهشت یا آتش جهنم. کسی که در پی دنیا است به مانند کسی است که از آب دریا می‌نوشد، هر چه بیشتر می‌نوشد، بیشتر تشنه می‌شود تا آنجا که او را می‌کشد. اگر طمعکار درباره‌ی عاقبت دنیا فکر کند، قانع می‌شود و اگر بدانت چه بر سر مالش می‌آید، از آن سیر می‌شود.

شما از جوانی به پیری و سلامتی به بیماری و از وجود به عدم می‌رسید. میمون بن مهران گفته است:

«ای جماعت پیرمردان! اگر زراعت زرد شود، چه کار می‌نمایید؟ گفتند: آن را درو می‌کنیم، نگاهی به جوانان انداخت و گفت: زراعت قبل از آن که درو شود، آفت به آن می‌رسد و برای جوانان زشت است که توبه را عقب بی‌اندازند و از آن زشت‌تر این است که پیران آن را به عقب بیاندازند».

از زمان سلامتی‌ات برای زمان مریضی و از اوقات فراغت برای زمان مشغولیت و از زندگی‌ات برای مرگت استفاده کن و در دنیا به مانند غریبه و رهگذر باش! وقتی صبح نمودی منتظر شب نباش و وقتی شب نمودی منتظر صبح نباش! به خودت بگو:

ألا یا نفس ویحک ساعدینی

بسعی منک فی ظلم الیالی

لعلک فی القيامة أن تفوزی

بطیب العیش فی تلک العاللی

* عمر بن الخطاب رضی الله عنه برای یکی از زیردستانش نوشت:

«خودت را در راحتی مورد حساب و کتاب قرار بده قبل از آن که در شدت مورد حساب و کتاب قرار گیری، در این صورت امر آن، با رضایت‌مندی و غبطه خواهد بود و کسی که زندگی‌اش او را غافل سازد و هوای او خود را به خود مشغول نماید، امر او پشیمانی و حسرت خواهد بود».

* حسن بصری رحمه الله گفته است: «مؤمنی را نمی-

باید مگر آن که خودش را مورد محاسبه قرار می‌دهد: بر چه عمل می‌کنی؟ برای چه می‌خوری؟ برای چه می‌نوشی؟ ولی فاجر زمان او می‌گذرد و خودش را مورد محاسبه قرار نمی‌دهد».

* همچنین گفته است: «بنده دائماً بر خیر خواهد بود تا

زمانی که خودش را نصیحت کند و کوشش او محاسبه‌ی [نفس] باشد».

* همچنین گفته است: مؤمن برپای دارنده‌ی نفسش است، برای الله [تعالی] خودش را مورد محاسبه قرار می‌دهد و فقط در روز قیامت حساب و کتاب برای گروهی آسان خواهد بود که خودشان را در دنیا مورد حساب و کتاب قرار داده‌اند و حساب و کتاب فقط برای گروهی سخت خواهد بود که از این امر کوتاهی کرده باشند و [خود را] مورد محاسبه قرار نداده باشند... مؤمنان گروهی هستند که در برابر قرآن توقف می‌کنند و آن بین آنها و بین هلاکت آنها واقع می‌شود. مؤمن اسیری در دنیا است و کوشش می‌کند تا خود را آزاد کند و چیزی او را ایمن نمی‌دارد تا آن که به دیدار الله [تعالی] برسد. می‌داند از آنچه در گوش و در چشم و در زبان و در اعضای بدن او وجود دارد، مورد مؤاخذه قرار می‌گیرد و برای تمامی

آنها مورد مؤاخذه قرار می گیرد».

* میمون بن مهران گفته است: «بنده متقی نمی شود، تا آن که شدیدتر از محاسبه ی شریک برای شریک، نفسش را مورد محاسبه قرار دهد، به همین دلیل گفته شده است: نفس مانند شریک خیانتکار است، اگر او را مورد محاسبه قرار ندهی، مالت می رود».

* مالک بن دینار گفته است: «الله [تعالی] بنده ای را مورد رحمت خود قرار دهد که به نفسش می گوید: آیا انجام دهنده ی آن کار نبوده ای؟ آیا انجام دهنده ی این کار نبوده ای؟ سپس آن را مورد نکوهش قرار می دهد، سپس او را افسار می زند و بعد از آن، آن را همراه کتاب الله عزّ وجلّ می گرداند و آن برای او رهبری می شود».

* أحنف بن قیس رضی الله عنه به نزد چراغ می رفت و انگشتش را در آن قرار می داد و می گفت: ای حنیف! حس می کنی؟ چه برای تو خواهد بود برای آن که روزی آن کار را انجام دادی؟

چه برای تو خواهد بود برای آن که روزی آن کار را انجام دادی؟

بنگر - ای کسی که الله تعالی تو را حفظ کند - چگونه بوده است حال آن قوم در عمل و کوشش و شدت محاسبه‌ی نفس! بعد به حال ما بنگر! شناخت آن تو را از سخن گفتن، بی‌نیاز می‌کند! آیا به آنها اقتدا نموده‌ایم؟!

محاسبه‌ی نفس آن گونه که ابن قیم رحمه الله آن را بیان داشته است، این گونه می‌باشد:

اول: با واجبات باید شروع نمود، اگر در آنها کوتاهی دیده می‌شود، باید به آنها مبادرت صورت گیرد.

دوم: اموری که نهی شده است، اگر فهمیده شد که به یکی از آنها ارتکاب صورت گرفته است، مبادرت به توبه، استغفار، بازگشت [به سوی الله تعالی] و کارهای نیکی که باعث محو شدن گناهان می‌شود، صورت گیرد.

سوم: نفس برای غفلت و رویگردانی مورد محاسبه قرار گیرد و آن با مبادرت نمودن به ذکر و یاد [الله تعالی] و با روی کردن به سوی الله تعالی، اصلاح می شود.

چهارم: محاسبه ی نفس بر حرکتهای اعضای بدن: سخن گفتن زبان، راه رفتن پاها، نگاه چشم و شنیدن گوش، برای چه آن را می خواهی؟ برای چه آن کار را انجام دادی؟ و به چه شکل آن را انجام دادی؟

برادر گرامی ام:

بدان! - الله تعالی من و تو را مورد رحمت خود قرار دهد - محاسبه ی نفس کاری دشوار برای آن می باشد و بازدارنده های بسیاری دارد، ولی در اینجا اموری بیان می شود که به این محاسبه ی نفس کمک می کند و انجام آن را قوی تر می نماید و مهمترین ها آن:

۱- حس نمودن آن که الله تعالی بنده را زیر نظر دارد و از کارهای پنهانی او آگاه است. وقتی بنده به این امر آگاه می -

شود، از غفلت بیدار می‌شود و از خواب بر می‌خیزد و اراده‌ی او برای محاسبه‌ی نفس و کوشش نمودن درباره‌ی آن قوی می‌شود.

۲- بنده بداند که کوشش او برای محاسبه‌ی نفس در امروز باعث راحتی او در فردا می‌گردد و هر آنچه امروز در آن کوتاهی ورزد، باعث می‌شود تا فردا حساب و کتاب برای او سخت شود.

۳- حساب و کتاب بزرگتر و سوال شدن از وی در پیشگاه الله مسلط جلّ جلاله در روز قیامت را یاد کند. وقتی بنده دانست که او در پیشگاه الله تعالی مورد سوال قرار می‌گیرد، بر او واجب است تا برای هر سوالی، جوابی آماده کند و در اینجاست که شدت محاسبه‌ی نفسش بیشتر می‌شود.

۴- بنده بداند که نفع محاسبه‌ی نفس و زیر نظر گرفتن آن، همان سکونت در فردوس و نگاه کردن به صورت

پروردگار سبحانه و مجاورت با پیامبران، صالحان و اهل فضیلت است.

۵- نگریسته شود که در ترک محاسبه‌ی نفس، هلاکت، ویرانی، داخل آتش جهنم شدن و ندیدن پروردگار سبحانه و تعالی و مجاورت با اهل کفر، گمراهی و خباثت است.

۶- همنشینی با انسانهای اهل خیر، کسانی که نفس خود را مورد محاسبه قرار می‌دهند و از عیوب نفس مطلع هستند و ترک همنشینی با کسانی که از آن فاصله گرفته‌اند.

۷- نگریستن به سیره‌ی مصطفی ﷺ و صحابه‌ی وی ﷺ و شناخت اوضاع و راه اهل محاسبه‌ی نفس و زیر نظر گرفتن پیشینیان صالح ما.

۸- به دیدار قبرها رفتن و تفکر نمودن به حال مردگان، همان کسانی که نمی‌توانند خودشان را مور محاسبه قرار دهند و از آنچه از دست داده‌اند، نمی‌توانند مبادرت به کاری نمایند.

۹- حاضر شدن در مجالس علم، پند و یادآوری؛ زیرا

آن به سوی محاسبه‌ی نفس دعوت می‌دهد.

۱۰- نماز شب و خواندن قرآن و تقرب جستن به الله

تعالی با انواع طاعات.

۱۱- دوری از مکانهای لهو و غفلت، زیرا حضور در این

مکانها باعث فراموش کردن محاسبه‌ی نفس توسط انسان می-

شود.

۱۲- ذکر و یاد الله تعالی و دعا نمودن از وی که ما را از

اهل محاسبه‌ی نفس قرار دهد.

برادران در راه الله:

کسی که خود را مشغول اموری نماید که در قبل آمد، با

فضل الله تعالی میوه‌هایی که نتیجه‌ی محاسبه‌ی نفس است را

خواهد چید، چه در دنیا و چه در آخرت... فایده‌های

محاسبه‌ی نفس بسیار زیاد می‌باشند، ولی بر حسب مثال

تعدادی از آنها، این موارد هستند:

۱- مطلع شدن از عیب‌های نفس. تا زمانی که از عیب

نفس اطلاع حاصل نشود، بر طرف کردن آن ممکن نمی‌باشد.

۲- توبه و پشیمانی و مبادرت نمودن برای جبران چیزهای از دست رفته در حد امکان.

۳- شناخت حقّ الله تعالی. اصل در محاسبه‌ی نفس، محاسبه‌ی آن در کوتاهی در حق الله تعالی است.

۴- کوچک شدن و فروتنی شخص در پیشگاه پروردگارش تبارک و تعالی.

۵- خشم نمودن به نفس و پاک کردن آن از به شگفت آمدن و ریا.

۶- برگرداندن حق به اهل آن و پاک شدن از پلیدی‌ها و پیدا کردن اخلاق نیکو.

صلی الله علی نبینا محمد و علی آله و صحبه و سلّم
تسلیمًا کثیراً.